

## زمینه ها و علل واگرایی میان عربستان و امارات



چندین سال است که خبرهایی مبنی بر اختلافات راهبردی دو عضو مهم شورای همکاری خلیج فارس یعنی عربستان سعودی و امارات متحده عربی منتشر می‌شود. تشدید رقابت‌های منطقه‌ای و اقتصادی مهم‌ترین عوامل بروز این اختلاف‌هاست. مقامات دو کشور همواره سعی داشته‌اند تا این اختلاف‌ها را که خاستگاهی دیرینه دارد علنی و خبری نساخته و به صورت پنهان برطرف سازند، اما در نشست اخیر اوپک پلاس این اختلاف‌ها علنی شده و در رسانه‌های رسمی این دو کشور مطرح شد.

در نشست اعضای سازمان کشورهای تولیدکننده نفت موسوم به «اوپک» و تولیدکنندگان بزرگ غیرعضو موسوم به «اوپک پلاس» که در ابتدای ماه برگزار شد، امارات متحده عربی با طرح پیشنهادی عربستان سعودی مبنی بر تمدید کاهش تولید نفت تا پایان سال ۲۰۲۲ مخالفت کرده و این اقدام را «بی‌انصافی در حق امارات» خواند. این مخالفت صریح امارات متحده عربی با عربستان سعودی در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی به صورت گسترده انعکاس یافت.

کارشناسان و تحلیلگران سیاسی عوامل زیادی را | پیش‌زمینه این اختلاف‌ها عنوان داشته‌اند که عبارتند از: اختلافات مرزی با هدف الحاق میدان‌های نفتی و گازی به خود همچون میدان نفتی الشیبه، اختلافات راهبردی در جنگ یمن و درگیری میان طرفداران این دو کشور، اختلاف در تعاملات سیاست خارجی همچون نزدیکی عربستان به ترکیه و همکاری با اخوان المسلمین یمن و نارضایتی امارات از این موضوع، از سرگیری روابط عربستان با قطر بدون هماهنگی با امارات، عدم ورود عربستان به توافق ابراهیم و بدنام شدن امارات و بحرین در عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی، اعلام عربستان مبنی بر ایجاد شرکت‌های هواپیمایی جدید برای رقابت با امارات و تبدیل شدن به مرکز هوایی منطقه، تلاش عربستان سعودی برای جذب سرمایه‌گذاران خارجی مقیم امارات به عربستان از طریق تهدید شرکت‌های خارجی مقیم امارات به قطع روابط بازرگانی با آنان، اقدام عربستان در تغییر قوانین واردات از کشورهای شورای همکاری خلیج فارس و وضع عوارض گمرکی به آنان و نارضایتی امارات از این اقدام، اعلام ممنوعیت ورود کالا از مناطق آزاد به عربستان (درحالی که در امارات در حدود ۶۰ منطقه آزاد وجود دارد)، اختلاف نظر فاحش در چشم‌انداز فعالیت‌های ژئوپلیتیکی و غیره.

معاونت مطالعات  
سیاسی

مشخصات گزارش

شماره مسلسل:  
۲۶۰۱۷۶۳۰

تاریخ انتشار:  
۱۴۰۰/۵/۱۱



با توجه به اینکه اغلب اختلاف‌های عربستان سعودی و امارات متحده عربی دارای ماهیتی اقتصادی با هدف تنوع سازی زیرساخت های اقتصادی و عدم وابستگی به درآمدهای نفتی بوده، اما باید توجه داشت که رفتار پدرسالارانه عربستان سعودی با دیگر اعضای شورای همکاری خلیج فارس و برنتابیدن این رفتار از جانب برخی از این کشورها سبب بروز شکاف در روابط عربستان و برخی از اعضای شورای همکاری خلیج فارس شده و در چالش‌های عربستان با امارات بروز یافته است. عربستان سعودی ازسویی خود را ام‌القرای جهان اسلام، ازسویی ام‌القرای جهان عرب و ازسویی نیز پدر معنوی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس تلقی می‌کند. این تلقی سبب اتخاذ رفتار پدرسالارانه در قبال سایر کشورهای شورای همکاری و انتظار اطاعت و همراهی ازسوی آنان شده است. این درحالی است که انتقال قدرت به رهبران جوان تر کشورهای شورای همکاری خلیج فارس و جوان‌گرایی در ساختار سیاسی آنان سبب شده تا سیاست خارجی این کشورها عملگرایانه‌تر شده و آنان در سیاست خارجی خود رویکرد استقلال از عربستان سعودی و تعامل با تمام کشورها را در پیش گیرند؛ سیاستی که در رفتارهای رهبر جوان قطر و زعامداران نسبتاً جوان و جاه‌طلب امارات متحده عربی دیده می‌شود.

امارات متحده عربی سال‌هاست که در پی تبدیل شدن به یک بازیگر تأثیرگذار منطقه‌ای بوده است، به همین دلیل در پی خروج از ذیل چتر وابستگی سیاسی به عربستان و اعلام استقلال سیاسی به‌ویژه در حوزه سیاست خارجی است. از این رو در چندسال گذشته به‌صورت نرم به مخالفت با عربستان سعودی پرداخته و سعی داشته تا به‌صورت مجزا به پیشبرد سیاست خارجی خود بپردازد. زمانی که قطر با جدیت با عربستان مخالفت کرده و با کمک شرکای منطقه‌ای خود توانست با موفقیت از بحران دیپلماتیک با عربستان بیرون آید، امارات با شدت و جسارت بیشتری به مخالفت با عربستان پرداخت. با وجود اینکه مقامات سعودی و اماراتی در حال انجام مذاکراتی برای رسیدن به توافقی جدید پیرامون میزان و زمان اعمال تغییرات در تولید نفت هستند و ممکن است به توافقاتی نیز نایل آیند و بار دیگر به همکاری با یکدیگر بپردازند اما باید توجه داشت که تبعات این اختلاف همچنان باقی خواهد ماند و در نگرش سایر کنشگران منطقه با امارات و شیوه تعامل با آن اثرگذار خواهد بود. اعضای اوپک پلاس به این نکته پی بردند که امارات دیگر لزوماً در تمام زمینه‌ها پیرو عربستان نبوده و برای خود استقلال در تصمیم‌گیری و عمل قائل است؛ امری که ممکن است به مذاق عربستان خوش نیامده و بار دیگر چالش‌هایی را میان آنان به وجود آورد.

جسارت امارات در تشدید مخالفت با عربستان ازسویی به سبب تجربه قطر در توان مقابله با عربستان بوده و ازسویی نیز از دستاوردهای خود در برخی پرونده‌های سیاست خارجی تأثیر پذیرفته است. امارات متحده عربی در برخی از پرونده‌های سیاست خارجی خود موفق بوده و این موفقیت موجب افزایش اعتماد به نفس مقامات این کشور در اتخاذ رویکرد استقلال از عربستان و افزایش کنشگری‌های خارجی شده است. ایجاد گروه‌های تحت حمایت خود در جنوب یمن و تصرف مهم‌ترین جزایر راهبردی این کشور، برقراری روابط سیاسی با دولت سوریه و اعلام آمادگی برای حضور در بازار اقتصادی آن، تعامل راهبردی همزمان با جمهوری اسلامی ایران ازسویی و رژیم صهیونیستی ازسوی دیگر از طریق استقبال گرم از وزیر امور خارجه رژیم صهیونیستی، موفقیت در جلب رضایت مقامات آمریکایی در خرید تسلیحات و جنگنده‌های ممنوع‌الفروش

آمریکایی، شکست ایتالیا در نبرد دیپلماتیک پیرامون عدم فروش تسلیحات ایتالیایی به امارات، آغاز تعاملات دریایی با چین در پروژه راه‌آبریشم دریایی، حضور نظامی و اقتصادی در شاخ آفریقا و موفقیت در ایجاد صلح میان برخی کشورهای آفریقایی همچون اریتره و اتیوپی و غیره از جمله مهم‌ترین دستاوردهای امارات در عرصه سیاست خارجی است که موجب تقویت روحیه عملگرایی مقامات این کشور و ایجاد واگرایی میان آنان و مقامات سعودی شده است.

برخی از مقامات و کارشناسان سیاسی دو کشور که واگرایی به وجود آمده را زمینه ساز فروپاشی شورای همکاری خلیج فارس و ایجاد بلوک بندی های جدید می دانند، به شیوه های مختلف در پی یافتن نقطه اشتراک مهم و راهبردی میان دو کشور جهت همگرایی مجدد هستند. این افراد تلاش دارند تا با تهدیدانگاری توافق هسته ای، فعالیت های موشکی و حضور منطقه ای جمهوری اسلامی ایران برای شورای همکاری خلیج فارس، مقامات امارات و عربستان را بار دیگر بایکدیگر همراه و متحد سازند. این افراد از سویی نیز تلاش داشته‌اند تا جمهوری اسلامی ایران را از حیث اقتصادی و به دلیل برخورداری از منابع عظیم و نفت و گاز رقیب بالقوه خطرناکی برای کشورهای شورای همکاری خلیج فارس معرفی نمایند تا بدین صورت بتوانند بار دیگر مقامات سعودی و اماراتی را با یکدیگر متحد سازند. این درحالی است که میل مجدد امارات متحده عربی و عربستان سعودی به همگرایی، بنابر رخدادهایی که در حال وقوع است دشوار به نظر می‌رسد. عدم حمایت نیروهای شورای انتقالی جنوب یمن (که مورد حمایت امارات هستند) از نیروهای القاعده و نیروهای منصور هادی در نبرد اخیر یمن در استان البیضاء و حتی درگیری با نیروهای مورد حمایت عربستان - که در پایان منجر به پیروزی انصارالله گردید - و همچنین سفر هشتم بن طارق بن تیمور آل سعید، سلطان عمان به عربستان سعودی بلافاصله پس از اختلاف عربستان و امارات و انعقاد قراردادهای گسترده اقتصادی و بازرگانی و افتتاح مسیر جدید حمل و نقل کالا میان عربستان و عمان می‌تواند قطب‌بندی‌های جدیدی در منطقه خلیج فارس به دنبال داشته باشد.